



دانشگاه پیام نور مرکز آذربایجان شرقی  
مرکز تبریز

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد  
رشته: زبان و ادبیات فارسی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان

تحقیق در دیوان سنجر کاشانی

حیدر خلیلی سیلابی

استاد راهنما:

دکتر احمد محمدی

استاد مشاور:

دکتر میر نعمت الله موسوی

آبان ۹۰

رسالة

اینجانب حیدر خلیلی سیلابی دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۷ مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی گواهی می‌نمایم چنانچه در پایان نامه خود از فکر، ایده و نوشته دیگری بهره گرفته‌ام با نقل قول مستقیم یا غیرمستقیم منبع و مأخذ آن را نیز در جای مناسب ذکر کرده‌ام. بدیهی است مسئولیت تمامی مطالبی که نقل قول دیگران نباشد بر عهده خویش می‌دانم و جوابگوی آن خواهم بود.

نام و نام خانوادگی دانشجو: حیدر خلیلی سیلابی

تاریخ و امضاء ۱۳۹۰/۱۰/۲۵

اینجانب حیدر خلیلی سیلابی دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۷ مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی گواهی می‌نمایم چنانچه بر اساس مطالب پایان نامه اقدام به انتشار مقاله، کتاب، و... نمایم ضمن مطلع نمودن استاد راهنما، با نظر ایشان نسبت به نشر مقاله، کتاب، و... و به صورت مشترک وبا ذکر نام استاد راهنما مبادرت نمایم.

نام و نام خانوادگی دانشجو: حیدر خلیلی سیلابی

تاریخ و امضاء ۱۳۹۰/۱۰/۲۵

کلیه حقوق مادی مترتب از نتایج مطالعات، آزمایشات و نوآوری ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه پیام نور می‌باشد.

آبان ۹۰

### تقديم به پدر بزگوارم

پدري كه ؛ دستان پرتوانش همواره تكيه‌گام  
بوده و شمع وجودش روشنگر راهم .

### تقديم به مادر عزيزم

كه با زندگي خود راه فداكاري و گذشت را  
به من آموخت.

## سپاسگزاری

### «من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق»

بر خود لازم می دانم با کمال امتنان از استاد فاضل و ارجمند جناب آقای دکتر احمد محمدی به عنوان استاد راهنما و جناب آقای دکتر میرنعمت الله موسوی به عنوان استاد مشاور که با راهنمایی ها و نکات ارزنده علمی خودشان این جانب را در پایان بردن این پایان نامه یاری نموده اند تقدیر نمایم و توفیق و سعادت ایشان را در راه خدمت به علم و پژوهش کشورمان از خداوند متعال خواستارم.

حیدر خلیلی سیلابی

## چکیده

ادبیات ایران زمین، با وجود شاعران، نامی ماندگار گرفته است و در صفحه روزگار وسعت و عظمتی به پهنای جهان یافته است، این پژوهش نظر بر این دارد که یکی از شاعران ادبیات را معرفی کند، نام او سنجرکاشانی از شعرای آغازین سبک هندی می باشد که شاید جایگاه واقعی خود را در ادبیات فارسی نیافته است.

در پژوهش حاضر، دیوان این شاعر توانا مورد تحقیق قرار گرفته و از لحاظ ویژگی های سبکی، زیبایی شناسی و مضامین و... بررسی شده است و از ورای آن، آراء و اندیشه ها و همچنین شخصیت شعری و اجتماعی شاعر به پژوهشگران شناسانده شده است.

کلیدواژه: سنجرکاشانی، شعر، تحقیق

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۲.....	تعریف مسأله و بیان اصلی تحقیق
۲.....	سابقه و ضرورت تحقیق
۲.....	سؤال های اصلی تحقیق
۳.....	فرضیه تحقیق
۳.....	اهداف تحقیق
۴.....	<b>فصل اول: کلیات</b>
۵.....	شعر چیست
۶.....	اولین شاعر
۷.....	عناصر متشکله شعر
۸.....	سبک و انواع سبک های شعری
۱۰.....	سبک هندی
۱۲.....	دلایل سفر شاعران به هند
۱۳.....	مختصات سبک هندی
۱۵.....	<b>فصل دوم: شرح حال زندگی و شعر سنجر کاشانی</b>
۱۶.....	زندگی نامه سنجر کاشانی
۱۸.....	آثار سنجر
۱۹.....	جایگاه سنجر در سبک هندی
۱۹.....	جایگاه سنجر در میان شاعران
۲۰.....	سنجر، شاعری مداح
۲۲.....	ممدوحان سنجر
۲۴.....	<b>فصل سوم: ویژگی های سبکی و زیبایی شناسی شعر سنجر کاشانی</b>
۲۵.....	پیش درآمد
۲۶.....	برجسته ترین ویژگی های سبک هندی در شعر سنجر
۲۶.....	باریک اندیشی و مضمون آفرینی
۲۷.....	تمثیل یا ارسال المثل
۲۹.....	توجه به الفاظ عامیانه

۳۰	پارادوکس
۳۱	ردیف آرای
۳۳	برجسته ترین عناصر زیبایی شناسی در شعرسنجر
۳۳	تلمیح
۴۱	تشبیه
۴۴	استعاره
۴۶	ایهام
۴۶	مراعات نظیر
۴۷	تضاد
۴۷	جناس تام
۴۸	<b>فصل چهارم: تحقیق در مضامین دیوان سنجر</b>
۴۹	پیش درآمد
۵۰	<b>مضامین مدحی</b>
۵۰	ستایش و مدح ائمه معصومین
۵۱	ستایش پیامبر اکرم
۵۱	ستایش حضرت علی
۵۲	مدح شاهان و شاهزادگان
۵۶	ستایش مادر
۵۷	ستایش فرزند
۵۷	<b>مضامین عاشقانه</b>
۵۷	عشق مذکر یا مؤنث؟
۵۸	توصیف زیبایی های معشوق
۶۰	تأملی در اشعار عاشقانه و نگاه شاعر به عشق
۶۳	واسوخت و رویگردانی از معشوق
۶۴	توصیف می و می پرستی
۶۶	<b>مضامین عرفانی</b>
۶۷	مضمون وطن و غربت
۷۰	فخر به سروده خود
۷۲	عدم دل بستگی به دنیا



۷۲.....	قناعت
۷۳.....	داشتن همت بلند
۷۳.....	بی نیازی از دیگران
۷۳.....	ستایش مهربانی و رد کینه
۷۳.....	گلایه از بخت و اقبال
۷۴.....	اظهار یأس
۷۵.....	<b>نتیجه گیری</b>
۷۹.....	منابع و مأخذ
۸۲.....	چکیده انگلیسی

## علايم اختصارى

غ: غزل  
ق: قصايد  
م: مثنويات  
ب: بيت  
ص: صفحه

## مقدمه

تاریخ شعر و ادب پارسی، شاعران بزرگی را پرورده است که هر کدام با استعداد خدایی و قریحه شاعری، با تجربه‌ها و آموخته‌ها، با افکار خلاق و اذهان پویا به بیان عواطف بشری پرداخته‌اند. آنگاه که شعر پارسی را از آغاز تا به امروز نیک بنگریم خواهیم دید که در فراز و نشیب حادثه‌ها و گذر دوران، پا به پای عبور دقیقه‌های زمانه این شاعران هستند که با پایداری خود سرنوشت شعر ما را روشن کرده‌اند؛ شاعرانی که انصاف شعر و شاعری را داده‌اند و تأثیر شگرفی بر ادبیات گذاشتند تا ماندگار شدند و نام ادبیات فارسی را در جهان پر افتخار کردند اما در این میان شاعرانی هستند که نامشان چون نام شاعران نامی ندرخشیده است و تأثیر شگرفی بر ادبیات نگذاشتند، پیرو شاعران گذشته خود یا شاعر متوسط الحال زمانه خود بودند و افتخاری در عرصه شعر و ادب جهانی کسب نکردند اما آنچه مهم است این است که این شاعران جایگاه مهمی در ادبیات دارند، آنها هستند که راه را برای شهرت شاعران نامی هموار کرده‌اند، حافظ که نامی ترین شاعر ادبیات ماست وقتی دیوان او را با شاعران گذشته مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که او به بسیاری از دیوان‌ها نظر داشته است و از آنها تأثیر گرفته است شاید نام شاعرانی مثل کمال الدین اصفهانی یا ظهیرفاریابی چندان آشنای دانش آموختگان نباشد و در مقایسه آنها با حافظ، مسلماً حافظ برتر شناخته می‌شود اما وقتی دیوان هر سه شاعر را به دقت بررسی کنیم متوجه می‌شویم که حافظ از آنها تأثیر گرفته است اما شهرتی که حافظ دارد، هیچ کدام از آنها ندارند ولی همانطور که حافظ برای ما مهم است کمال الدین و ظهیر نیز جایگاه مهمی دارند زیرا آنها گرچه نامی ندارند اما در ادبیات ما سهمی دارند.

در پژوهش حاضر برآنیم تا یکی از شاعران متوسط ادبیات را معرفی کنیم و دیوان او را مورد تحقیق و بررسی قرار دهیم؛ نام او سنجر کاشانی است و از شعرای آغازین سبک هندی می‌باشد، سنجر اگر چه از شاعران مشهور ادبیات نیست و تأثیر شگرفی بر شعر ما نگذاشته است، آغازگر راه نو و جدیدی نبوده است و همچون شاعران سلف خود به مدح و مداحی شاعری کرده است. اما این نکته مهم است که او راه را برای شاعران بزرگ هموار کرده است.

تا آنجا که می‌دانیم نام او در هیچ کتاب و درس دانشگاهی نیامده است، واحد خاصی در باره او و شعرش اختصاص داده نشده است حتی قطعه‌ای از شعر او در کتاب‌ها نیامده است، همچنین، با توجه به اطلاع رسانی سه سایت بزرگ نشریات داخلی؛ سایت نورمگز ([www.noormags.com](http://www.noormags.com))، سایت مگ ایران ([www.magiran.com](http://www.magiran.com)) و سایت جهاد دانشگاهی ([www.sid.ir](http://www.sid.ir)) این گفته صحت می‌یابد که مقالاتی نیز راجع به او در هیچ نشریه‌ای چاپ نشده است. بنابراین نگارش چنین تحقیقی

ضرورت می یابد، در پژوهش حاضر دیوان او به دقت بررسی شده است و آراء و اندیشه های شعری، سبک و شیوه شاعری، درون مایه شعری، آرایه های ادبی دیوان شعرش بیان شده است و در نتیجه به طور خلاصه و مفید، مطالب جمع بندی شده است. (توضیح اینکه ابیات استفاده شده در این پژوهش از چاپ ۸۸ دیوان سنجر استخراج شده است.)

### تعریف مساله و بیان اصلی تحقیق

میر محمد هاشم کاشانی متخلص، به (سنجر) یکی از شاعران با قریحه و با ذوق ایرانی است که در زمان صفویه در سن بیست و سه سالگی به هند مهاجرت و در آنجا اقامت کرده است، و دور از وطن و در سرزمین غریب به خدمت دربار پادشاهان آن دیار مشغول شده است.

به جهت عدم توجه محققان و پژوهشگران به معانی و مفاهیم موجود در دیوان سنجر و نیز عدم معرفی دقیق ویژگی های سبکی، محتوای دیوان او و ابعاد مختلف زندگی اش در هاله ای از ابهام واقع شده است.

به نظر نگارنده تعریف و شناساندن سنجر به عنوان یک شاعر با ذوق و هنرمند می تواند حق شاعری او را تاحدی ادا نماید و دانشجویان و تمامی شیفتگان شعر و ادب فارسی می توانند از اشعار زیبا و نغز سنجر بهره وافر ببرند.

### سابقه و ضرورت تحقیق

شاید پایان نامه ها و مقالاتی مانند این موضوع چند موردی به طبع رسیده باشد ولی در مورد دیوان این شاعر توانا تا آنجایی که بررسی شده، تحقیق و بررسی دقیقی صورت نگرفته است. تحقیق و معرفی این شاعر با ذوق و بررسی دیوان او می تواند در غنی سازی ادبیات ایران و شناختن وضع زندگی و موقعیت اجتماعی شاعران ایرانی مقیم هند در زمان صفویه تاثیر بسزای داشته باشد.

### سوال های اصلی تحقیق

- ۱: ماهیت شاعر و شخصیت اجتماعی سنجر کاشانی و خانواده وی چگونه بوده است؟
- ۲: دیوان سنجر کاشانی از لحاظ مضمون و محتوا شامل چه نوع شعرهای می باشد؟
- ۳: عمده ترین صور خیال موجود در دیوان سنجر کدام است؟
- ۴: آیا سنجر از شاعران بزرگ قبل از خود ادب ایران مثل سعدی و حافظ تاثیر گرفته است؟

۵: تلمیحات و اشارات قرآنی در دیوان شاعر به چه میزان است؟

۶: از ائمه و پیامبران چه کسانی را مدح گفته است؟

۷: کاربرد ردیف در دیوان به چه شکل است؟

### فرضیه تحقیق

۱: سنجر در زمان اقامت در هند مدتی را در حبس سپری کرده است.

۲: در دیوان سنجر اشعار مدحی زیادی وجود دارد.

۳: آثار سنجر محدود به دیوان او نمی باشد.

۴: سنجر در دیوان از آیات و تلمیحات قرآنی نیز استفاده کرده است.

۵: سنجر از میان صور خیال از استعاره مکنیه زیاد استفاده کرده است.

۶: سنجر از شاعران نام آور ایران تاثیر گرفته است.

۷: سنجر پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) را مدح کرده است.

### اهداف تحقیق

۱: شناخت هر چه بیشتر سنجر کاشانی و معرفی آن به عنوان یک شاعر توانا.

۲: کمک به دانشجویان و علاقه مندان شعر در مطالعه هر چه مفید تر دیوان سنجر کاشانی.

۳: شرح و تحلیل طبقه بندی شده مضامین موجود در دیوان سنجر کاشانی

۴: بررسی دیوان او از لحاظ زیبایی شناختی.

# فصل اول

## کلیات

## شعر چیست

این که شعر چیست و شاعر کیست همیشه مورد بحث قرار گرفته است و نظریه‌هایی در این مورد بیان شده است. حاصل تمامی گفت و گوها و نوشته‌ها، درباره‌ی معنی لغوی و اصطلاحی شعر را می‌توان به طور خلاصه این چنین بیان کرد: «شعر یک واژه عربی است از ماده «ش ع ر» در زبان عربی مطلقاً به معنای «علم» است نه به معنای شعری که ما اکنون به کار می‌بریم زیرا اولاً در کتب قدیم عرب این کلمه به این معنی نقل نشده است و این معنی را متأخرین برای آن ذکر کرده‌اند و اگر در بعضی از کتب معتبره لغت این معنی دیده می‌شود آن معنی حقیقی و لغوی نیست بلکه معنی اصطلاحی است و هم چنین چون معنای اولیه‌ی این کلمه در زبان عربی علم و دانستن بود به مدلول همین معنای لغوی، عرب عصر جاهلیت علم را فقط شعر می‌دانسته است و عالم را شاعر می‌دانست»<sup>۱</sup>.

اما شعر به معنای کلام موزون را طبق گفته سمیعی بعضی از دانشمندان خاورشناس اروپا و علمای لغت، تحقیق کردند که «شعر به این معنی از لغت عبری «شیر» گرفته شده است چه در زبان عبری این کلمه به معنی ترانه و لحن مقدس می‌باشد. احتمال نیز هست که کلمه «شیر» عبری به زبان عربی وارد شده باشد»<sup>۲</sup>.

در معنای اصطلاحی شعر به معنی سخن موزون تعریف‌های گوناگونی شده است به چند تعریف اکتفا می‌کنیم.

ارسطو در تعریف شعر می‌گوید: «شعر سخنی است که شوری در دل برانگیزد» پس از ارسطو کسانی از اهل منطق گفته‌اند او را تکرار و تأیید کردند و همه گفتند شعر سخنی است که مخیل باشد یعنی در دل بنشیند و حالتی از غم و یا شادی برانگیزد»<sup>۳</sup>.

ابن سینا در «فن شعر» از منطق کتاب الشفاء که مقتبس از همان رساله‌ی شاعری ارسطو است می‌گوید: «شعر سخنی است خیال‌انگیز که از اقوالی موزون و متساوی تشکیل شده باشد»<sup>۴</sup>.  
نیما می‌گوید: «شعر باید خودش ساخته و پرداخته شود ... شعر از زندگانی ناشی شده و میوه‌ی زندگی است»<sup>۵</sup>.

<sup>۱</sup> ر.ک سمیعی، ۱۳۶۱: ۱۱۲

<sup>۲</sup> همان: ۱۱۶

<sup>۳</sup> ر.ک ناتل خانلری، ۱۳۴۵: ۱۶۸

<sup>۴</sup> همان: ۲۸۰

<sup>۵</sup> یوشیج، ۱۳۸۵: ۲۱۵

براهنی می گوید: «شعر یک جریان حیاتی است و با نوع بشر سروکار دارد. هر انسانی یا یک قبیله انسانی از قدیمی ترین دوران تا به امروز نیازمند بود که شعر بگوید و یا شعر بشنود»<sup>۱</sup>.  
شفعی کدکنی می گوید: «شعر حادثه ای است که در زبان روی می دهد و در حقیقت گوینده شعر با شعر خود عملی در زبان انجام می دهد»<sup>۲</sup>.

### اولین شاعر

در اینکه اولین شعر، چه زمانی گفته شده و اولین شاعر چه کسی بوده است، صاحب نظران معتقدند نظم شعر قدیم تر از پیدایش کتابت است و با این کیفیت نه ابتدای زمان شعر را می توان تعیین کرد و نه اولین شاعر را می توان شناخت، همین قدر بگوییم که تا زمانی که بشر کتابت را اختراع نکرده بود برای نگاه داری تاریخ خود به نظم که حفظش از نثر، آسان بوده، می پرداخته است و محققاً هر قومی که قوه تصرف در مبانی را یافته، شاعرانی داشته است اما در باب قدیمی ترین شعر پارسی، بسیار گفت و گوهاست گویند «اولین شعر فارسی را شعر منسوب به بهرام گور، پادشاه ساسانی که در نیمه اول قرن پنجم میلادی بوده، شناخته اند و عجم آن را اول شعر پارسی دانسته است»<sup>۳</sup>.

دکتر ذبیح الله صفا در کتاب ارزشمند تاریخ ادبیات ایران می گوید: «روایاتی که در باب نخستین شاعران پارسی گوی داریم مختلف و غالباً باور نکردنی است. قدیم ترین روایتی که در این باره به دست می توان آورد قول صاحب تاریخ سیستان است که مؤلف یا مؤلفان آن معلوم نیست در روایت تاریخ سیستان آمده است، زمانی که یعقوب لیث صفاری بر دشمنان چیره شد، فردی به نام محمد بن طاهر او را به عربی ستود اما یعقوب متوجه ستایش او نشد محمد بن وصیف که دبیر رسایل او بود و ادب نیکو می دانست یک شعر به زبان فارسی در ستایش یعقوب سرود و «اندر عجم شعر پارسی گفتن گرفت و اول شعر پارسی اندر عجم او گفت و پیش از او کسی نگفته بود که تا پارسیان بودند سخن پیش ایشان به تازی بود»<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup> براهنی، ۱۳۷۱: ۵۸۰.

<sup>۲</sup> شفعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۱۱.

<sup>۳</sup> سمیعی، ۱۳۶۱: ۱۵۰.

<sup>۴</sup> صفا، ۱۳۶۹: ۱۶۶.



البته در کتاب ها، نام کسانی مثل «ابوحفص سغدی و ابوالعباس مروزی نیز به عنوان اولین شاعر پارسی گو ثبت شده است»<sup>۱</sup>.

اما به طور کلی دیرینگی شعر به قدمت زبان است برای آن که شعر چه می نویسد پاسخ های گوناگونی داده اند یکی این است که شعر حسی از حیات به ما می دهد و جان ما را با اعماق هستی پیوند می زند همه ما این نیاز درونی را داریم که با جانی کمال یافته و عمیق تر و آگاه تر زندگی کنیم. جوهره شعر تجربه است. شاعر از مخزن تجربه های پیشین که پیش از این احساس و مشاهده و تخیل کرده انتخاب می کند و آن ها را به هم می آمیزد و تجربه های نوی در زبان می آفریند که شکل های متمرکز و فرم گرفته و سازمان یافته است. اما شعر زبانی است برای ارتباط و انتقال تجربه به سوی کل هستی انسان جهت گیری می کند فقط به سوی فهم او بل که حواس و عواطف و تخیل او را نیز فرا می گیرد ابعاد حسی و عاطفی و تخیلی را نیز به بعد عقلی زبان می افزاید و چند بعدی می شود.

### عناصر متشکله شعر

عناصر متشکله شعر عبارتند از: عاطفه، تخیل، زبان، آهنگ و موسیقی شعر است  
عاطفه حالت اندوه، شادی و یأس ... است که در ذهن شاعر با توجه به تجربیاتش ایجاد می شود  
تخیل و صورت های مختلف خیال، وسیله های انتقال تجربه های عاطفی است. عواطفی را در ذهن شاعر به وجود می آید بیان این عواطف در شعر به کمک خیال صورت می گیرد مثلاً از طریق تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه و... بیان می شود. صورت های خیال در شعر هر شاعر صاحب اسلوبی با دیگران متفاوت است زیرا تجربه های زندگی افراد متفاوت است.  
بعد از تخیل، زبان است، زبان برای شاعر وسیله ای برای بیان آنچه در ضمیرش است، می باشد. آنچه به خیال های شاعر شکل می دهد و در واقع به اندیشه ها و ذهنیات و تخیلات او صورت مادی می بخشد زبان است. زبان در شعر آن قدر اهمیت دارد که وجودش خود بخشی از شعر است و هنر شاعری اگر خوب متجلی شود بخش بزرگی از زیبایی شعر است و لذت هنری ناشی از آن مرهون زبان است.

بعد از زبان، موسیقی مهم است. منظور از موسیقی تنها وزن عروضی (وزن آزاد نیمایی) نیست. موسیقی شعر ممکن است به وسیله آوردن قافیه و ردیف در آخر مصراع ها به وجود بیاید که موجد

<sup>۱</sup> زرین کوب، ۱۳۸۴: ۱

نوعی موسیقی کناری است. ممکن است شاعری از هر سه نوع موسیقی (عروضی، کناری و داخلی) استفاده کند اگر چه گاهی تخیل و عاطفه و زبان شعر آن چنان پر قدرت و سرشار از زیبایی و اصالت است که کمبود هر نوع موسیقی را در شعر جبران می کند اما شعر خوب شعری است که در آن کمال و تعالی است. این چهار عنصر - عاطفه، تخیل، زبان، و موسیقی - باید در کمال تناسب و هماهنگی به یکدیگر گره خورده باشند تا شعری خوب داشته باشیم.<sup>۱</sup>

«اساس شعر هر شاعری همان چیز است که تأثر و شعور شخصی او، او را به گفتن آن برانگیخته است و غیر آن حکایت شعور دیگری است که با الفاظ صاحب آن شعور بیان شده است»<sup>۲</sup>.

### سبک و انواع سبک های شعری

سبک در زبان عربی به معنی «گداختن زر و نقره» است. در قرن اخیر این واژه «مجازاً به معنی روش مخصوصی از نظم و نثر به کار رفته است و تقریباً معادل استیل (style) انگلیسی است که در اصطلاح ادبی، به طرز بیان و افکار و انتخاب الفاظ دلالت دارد... و علمی که از پیدایش سبک های مختلف یک زبان گفت و گو می کند، سبک شناسی نامیده می شود»<sup>۳</sup>.

البته تعاریف مختلف دیگری نیز از سبک ارایه شده است به عنوان نمونه ژان فلور، داستان نویس فرانسه در تعریف سبک می گوید: «سبک شیوه دیدن است»<sup>۴</sup>، همچنین شوپنهاور، فیلسوف آلمانی می گوید: «سبک چهره بیرونی ذوق و قریحه انسان است»<sup>۵</sup>. اما سبک شناسی به معنای واقعی خود در ایران سابقه چندانی ندارد و فقط در بعضی کتاب ها در شرح حال شاعران و نویسندگان به آن اشاره شده است، «یکی از قدیم ترین کتابی که در آن کلمه سبک به همین معنی به کار رفته، کتاب شعر و الشعراء اثر ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری است»<sup>۶</sup> اما «علم سبک شناسی به طور مستقل برای اولین بار در سالهای ۱۳۰۹ و ۱۳۱۰ ضمن یک سخنرانی که چندین ماه به طول انجامید از طرف استاد ملک الشعراء بهار عنوان گشت و اولین کتاب سبک شناسی در سال ۱۳۱۸ در سه جلد از طرف ایشان تصنیف شد»<sup>۷</sup>.

<sup>۱</sup> این بخش با تلخیص از بخش اول کتاب «نقد آثار شاملو» از دست غیب: ۱۳۷۳ انتخاب شده است.

<sup>۲</sup> سمیعی، ۱۳۶۱: ۱۳۴

<sup>۳</sup> سجادی، ۱۳۶۹: ۸ و ۷

<sup>۴</sup> شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۸

<sup>۵</sup> فرشید ورد، ۱۳۶۳: ۶۵۴

<sup>۶</sup> سجادی، ۱۳۶۹: ۹

<sup>۷</sup> همان: ۱۰

سبک‌های شعری فارسی تاکنون به شش سبک تقسیم بندی شده است:

**سبک خراسانی:** مرکز اصلی شعر فارسی ابتدا در خراسان بوده است و شاعران بسیاری در آنجا شعر سرودند و به همین جهت عنوان این سبک، «سبک خراسانی نام گرفته است که البته چون ترکستان نیز در آن زمان جزء خراسان بوده است آن را سبک ترکستانی نیز می نامند که کمتر به این نام مشهور است و همچنین چون ظهورش در زمان سامانیان بوده آن را سبک سامانی هم گفته اند»<sup>۱</sup> از ویژگی های مهم این سبک سادگی آن است، در این سبک، شعر فارسی از لغت های عربی دشوار عاری بود و کلام از تکلف و صنعت های ادبی دشوار دور بوده است، قالب مورد استفاده شاعران اغلب قصیده بود، از نظر مضمون، شاعران این دوره تحت تأثیر اطلاعات و معلومات خود نیستند و اشعارشان از مضامین و معانی علمی و فلسفی خالی است، عشق جنبه مادی دارد و رفتار عاشق نسبت به معشوق مانند رفتار مالک به مملوک است<sup>۲</sup>

از شاعران بزرگ این سبک می توان از رودکی، منوچهری، فرخی، فردوسی، عنصری، ناصر خسرو نام برد.

**سبک عراقی:** می توان گفت سبک عراقی تقریباً در مقابل سبک خراسانی قرار دارد، منطقه مکانی آن عراق و آذربایجان است که از این لحاظ سبک آذربایجانی نیز نامیده می شود و مصادف است با حمله مغول به ایران و تقریباً از اواسط قرن پنجم شروع می شود و تا قرن یازدهم ادامه می یابد.<sup>۳</sup> از ویژگی های مهم این سبک؛ تصنع و تکلف در شعر بود، شاعران توجه وافری به کاربرد کلمات عربی، الفاظ دشوار نجومی، قافیه ها و ردیف های مشکل و ... نشان می دادند، قالب برتر شعر نیز غزل بود، از لحاظ محتوی و مضمون نیز، « با حمله مغول و نفوذ و رواج تصوف، روح سلحشوری و جنگجویی از میان رفته بود و حالت تسلیم و رضا در مقابل پیش آمدها و حوادث ناگوار را جانشین آن ساخته بود»<sup>۴</sup> معشوق دیگر مادی نبود و رنگ عرفانی گرفته بود و عاشق نیز با غم هجران می ساخت زیرا پیوسته معشوق از عاشق گریزان بود.

<sup>۱</sup> سجادی، ۱۳۶۹: ۱۱

<sup>۲</sup> رک، همان ۱۳۶۹: ۱۱ و ۱۲

<sup>۳</sup> البته این نکته مهم باید گفته شود که بین سبک خراسانی و عراقی یک سبک بینابین وجود دارد که هم دارای ویژگی سبک خراسانی و هم دارای ویژگی های سبک عراقی است.

<sup>۴</sup> سجادی، ۱۳۶۹: ۱۳

از شاعران نامدار این دوره می‌توان از سنایی، عطار، نظامی، مولوی، سعدی، حافظ، خواجه‌ی کرمانی، عبید زاکانی نام برد.

**سبک دوره بازگشت<sup>۱</sup>:** این دوره از نیمه دوم قرن دوازدهم شروع شد و در دوره مشروطیت به پایان رسید، همانطور که از نام این سبک آشکار است، شاعران این دوره برای حفظ میراث کهن شعر کشور صلاح کار را در این دیدند که به سبک های شعری گذشته باز گردند، عده ای به شیوه سبک خراسانی و عده ای به شیوه سبک عراقی شعر سرودند. طرز تازه ای در این دوره در آثار شاعران دیده نمی‌شود بنابراین ویژگی مهمی نیز نمی‌توان برای سبک بازگشت شمرد زیرا این شاعران به فکر تازه خواهی و تازه جویی نبودند و فقط از شاعران گذشته تقلید می‌کردند از این نظر، این دوره در تاریخ ادبیات شعری ایران جایگاه والایی ندارد. از شاعران مشهور این سبک می‌توان از نشاط اصفهانی، وصال شیرازی، مجمر اصفهانی، قانی، فروغی بسطامی نام برد.

**سبک معاصر:** بعد از انقلاب مشروطه فرمانروایی دیر آهنگ قراردادهای ادبی شکاف برداشت و ارزش نوی پیش رو نهاده شد و ویژگی های جدیدی هستی گرفت و این ها همه حاصل تبادلات فرهنگی و انطباق پذیری فطری انسان ایرانی بود که با دنیای مدرن هم جهت شد و در ادبیات خود اصلاحاتی معمول داشت و سنت های فرهنگی و ادبی جدید خود را پرورش داد.

«ظهور مطبوعات در سده نوزدهم، ایجاد مدارس و بسط تعلیم علوم طبیعی، انتشار فزاینده نشریات داخلی و خارجی و ترجمه هایی از آثار ادبی و علمی اروپایی، تماس روز افزون مردم با تمدن اروپایی»<sup>۲</sup> این موارد همه با هم در ظهور و بسط ادبیات معاصر ایران نقشی درخور داشتند. بعد از مشروطه و با ظهور نیما یوشیج، شعر ایران وارد عرصه جدیدی شد که از آن با عنوان «شعر نو» یاد می‌کنند که هنوز هم ادامه دارد.

## سبک هندی

«تغییر شرایط، وقوع حوادث و انقلاب ها، جریان های اجتماعی و فرهنگی و... باعث تغییر سبک‌ها می‌شود، سبک هندی در نتیجه همین تغییرات است که از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم به مدت صد و پنجاه سال، در ایران و هند و آسیای صغیر رواج داشت. از نظر دوره زمانی مصادف با

<sup>۱</sup> سبک هندی که بعد از سبک عراقی است در دنباله همین مبحث جداگانه و مفصل توضیح داده می‌شود

<sup>۲</sup> رک، سجادی، ۱۳۶۹: ۲۷